

## وکلاء را ما انتخاب کرده ایم، نه کسانی دیگر!

براساس یک خبر منتشره از سوی وزارت صحت عامه افغانستان کمی بیشتر از 40 درصد کودکان افغانستان دچار سوءتغذیه دیرینه هستند. از این میان، بر طبق خبر، تقریباً 10 درصد کودکان از سوءتغذیه بسیار حادی رنج می برند. درخبر همچنان آمده است که سوءتغذیه دلیل 50 درصد مرگ و میر کودکان در کشور می باشد و تلاش برای کاهش سوءتغذیه می تواند آمار مرگ و میر کودکان را کاهش بدهد. علاوه بر این خبر، از زبان "ثریا دلیل"، وزیر صحت عامه افغانستان، گفته شده است:

- که از نظر صحت، حدود 45 درصد، یعنی تقریباً نصف مرگ های دوره طفولیت با وضعیت تغذیه طفل ارتباط نزدیک دارد. بهبود در وضعیت تغذیه اطفال سبب می شود که به حدود نصف مرگ و میر های زیر پنج سال رسیدگی شود.
- که سوءتغذیه حاد، سوءتغذیه مزمن، کم وزنی و سایر شاخص های تغذیه در این تحقیق مشخص شده اند. براساس این تحقیق، 26 درصد کودکان افغانستان با مرض کم خونی و کمبود آهن و همچنین 30 درصد کودکان با کمبود آیودین مواجه هستند.
- که 24.6 درصد کودکان در افغانستان به کم وزنی مبتلا هستند.
- که سوءتغذیه سبب میشود تا کودکان در مکتب با مشکل یادگیری روبرو شوند. تحقیق نشان داده است که کشورهایی که کودکان آن از سوءتغذیه رنج می برند، رشد اقتصادی آن ها نسبت به کشورهای که این مشکل را ندارند، به طور متوسط هشت درصد کمتر باشد.
- که تغذیه مناسب کودکان در هزار روز اول زندگی اهمیت زیادی دارد: اگر طفل در یک هزار روز اول زندگی درست تغذیه نمیشود، تأثیرات سو آن تا آخر عمر باقی مانده و یک عده از این تأثیرات غیرقابل جبران میباشد. (مأخذ خبر وبسایت "دویچه وله")

ناگفته پیداست که مشکل سوءتغذیه در کشور فقیر ما تنها متوجه کودکان ما نیست. افغانستان، اگر چند صد افغان زورمند همتای قارون را که همه دارائی های شان را، همان گونه که در تاریخ بشریت معمول بوده است، از راه سؤاستفاده و اخاذی و رشوه و غصب و غارت و تصرف و زور و جنگ و استعمار یا وطن فروشی و یا از راه دهش های بی حساب و کتاب پادشاهان بی انصاف و قهار و خونریز و جابر و جائر و غادر بدست آورده اند، نادیده بگیریم، پر است از افراد و اشخاصی فقیری که، اگر با معیار های جهانی و بهداشتی سنجیده شود، اصلاً چیزی برای خوردن ندارند.

فریاد این افراد و اشخاص بینوا همواره از بی کاری و ناداری و قیمتی و بیچارگی و اقتصاد خراب و نداشتن مسکن و پوشاک و غذائی کافی، به ویژه در این روز های

**رمضان، ماه غفران و قران، ماه مهمانی خداوند مهربان**، به آسمان بلند بوده است. مردمی که خاطر شان گذشته از فقر و ناداری و بیکاری و وضعیت بسیار ناگوار مسکن و بهداشت در افغانستان، از جنگ، از ترور و تروریسم، از انتحار، از افراط گرایی سیاسی - دینی، از قانون شکنی و قانون گریزی، از نبود نظم، از نبود امنیت، از ناکارآمدی دولت، از فساد در ادارات دولتی بخصوص از فساد در دستگاه قضائی کشور، از وجود ده ها باند مافیا، از قاچاق، از آدم ربائی، از اخاذی، از کشت کوکنار و خرید و فروش مواد مخدر، از ابتلائی ده ها هزار جوان کشور به انواع مختلف مواد اعتیادآور، از غصب املاک دولتی و شخصی به وسیله زورگویان دولتی و غیر دولتی، از کاغذپرانی، از روزگذرانی خود وکلائی پارلمان، از قیمتی، از به ابتذال کشیده شدن انتخابات، از بی احترامی به مردم، از مشکلات ده ها هزار زن بیوه بی سرپناه و سد ها هزار کودک بی پدری که در سنین طفولیت و در زمانی که خود به مراقبت و کمک نیاز دارند، زمانی که هنوز به بازیچه و تفریح و به شنیدن قصه های کودکانه و شادی بخش و مراقبت و حمایت پدر و مادر و رفتن به مدرسه نیاز دارند، مجبور به کار شاقه می شوند تا خود و مادر و چند خواهر و برادر سر و نیم سر خود را اعاشه و ابطه کند و اگر بتواند آن ها را برای با سواد شدن به مدرسه بفرستند، کودکانی که هر آن در معرض تجاوز حیوان صفتان قرار دارند، از پامال شدن آشکار حقوق زن و کودک و از حوادث طبیعی ای که هر روز سد ها انسان را به کام مرگ می فرستد و خانه ها را ویران می کند و کشت و زراعت مردم را نابود می سازد و ده ها و صد ها موضوع و مطلب رنج آور دیگر، به شمول مداخلات رنگارنگ کشور های مختلف در امور داخلی کشور، غمین و مکدر هستند.

هیچ یک از این مسائل و موضوعات مشکله از دید مردم، چه در داخل کشور و چه در سطح جهان، و از نظر تیز بین مجمع مشاهیر و مشایخ و اکابر و اکارم کشور - مجلس نمایندگان - پوشیده نیست. همه وکلاء، این محافظین و پیروان راستین دین عدالت پرور اسلام، هم زن و هم مرد، که یک وقت نماز شان شاید از ترس خدا قضا نمی شود، از حال زار مردم و از احوال نزار ملک واقف هستند.

بی بی سی نوشته می کند که، وزارت مالیه افغانستان در طرح پیشنهادی که به **شورای ملی افغانستان** ارائه کرده یادآور شده که کاهش ۹ میلیارد افغانی درآمد داخلی نسبت به سال گذشته و کاهش میزان کمک های خارجی فشار فزاینده را به بودجه دولت افغانستان در سال جاری خورشیدی وارد کرده است.

تمام مشکلاتی که یاد شد، قسمتی نمایان یخی است که در میان آب بحری شناور است و عظیم ترین بخش آن در زیر آب پنهان است.

در چنین حالتی غم انگیز و اسفباری که به اصطلاح "خون از چشم انسان می پرد"، و نه تنها اشخاص با درد و باوجدان داخلی، که همه جهان نگران وجود فقر حاد و مزمن و کمبود آب و نان و پوشاک و سلامتی و مسکن و اشتغال و جنگ و و کسر بودجه و... در افغانستان هستند، وکلائی ما، که همه به **فضل و عنایت خدای غنی** ثروت کافی و زندگی سروسامان یافته ای دارند، به جای این که به فکر مردمی باشند که ایشان را به فرض و امید این که انسان های باوجدان و باخدا و مسلمان و عادل و نیک سیرت و وظیفه شناسی هستند و شاید مشکلی از مشکلات شان را حل کنند، به صفت نماینده

خویش انتخاب نموده اند، به فکر خود و به فکر زن و فرزند خود هستند و به اصطلاح زمانی که بز در غم جان کندن است، این ها به فکر "چربو" هستند.

**آیا تصور فرومایگی از این هم بیشتر در فکر کسی خطور خواهد کرد؟ مگر اخلاق اسلامی همین است؟! شنیدم که "رونالدو" فوتبالیر مشهور پرتگالی بوت طلائی خویش را به قصد کمک به اطفال فلسطینی فروخته است؛ یا می فروشد. یک مسیحی، باوجودی که نه مسلمان است و نه فلسطینی، تنها به حکم وجدان و انسانیت و انسان دوستی بالاترین افتخاری را که در طول عمرش بدست آورده است برای کمک به اطفالی که هیچ رابطه ای با آن ها ندارد، جز رابطه انسانی، به فروش می رساند و به آن ها که با بی رحمی و شقاوت ددمنشانه، از زمین و هوا، مورد حملات توپ و تانک و راکت و هواپیما های بم افکن اسرائیلی قرار دارد و جهان خاموشانه و با پستی غیرقابل بخشش به آن نگاه می کنند، کمک می کند، اما وکلانی ما با وجودی که مسلمان اند و افغان و از خدا و پیامبر و صلۀ رحم و اخلاق اسلامی حرف می زنند، به اطفال فلسطینی چخ، که به اطفال قابل ترحم کشور خود هم رحمی ندارند! پناه به خدا از این گونه اسلام و مسلمانی!!!**

کمال وقاحت همین است که این وکلاء، با چنین دردمندی سهمگین و احتیاج و فقری بدین گسترده و عمق در کشور، با داشتن استعداد و سرمایه کافی به جای کمک به اطفال/مردم نیازمند، قصد وضع کردن قانونی را دارند که زندگی آن ها را بعد از پایان دوره کارشان در مجلس به شکلی تأمین و تضمین کند که به هیچ کتابی - نه آسمانی و نه زمینی - راست نمی آید!!!

سخن من، ارچند بر سر گنده دماغی و بدذاتی وکلانی از خود راضی و خودبین و وظیفه شناس و عهدشکن مجلس نمایندگان موجود - به استثنائی هشت تنی که با این پیشنهاد مخالفت کردند - است، از برای آن که ارتباط رویداد ها بدون وجود علت عقلانی به نظر نمی رسد، اساساً معطوف به مردمی است که چنین وکلانی را در زمان انتخابات بر می گزینند و به نمایندگی خویش به مجلس نمایندگان می فرستند.

این انسان ها بدون تردید از آسمان به زمین نیفتیده و راه به درون مجلس نمایندگان نبرده اند. این ها همه انتخاب همین مردمان بینوا و دردمند و فقیرند که امروز برخی از آن ها به نمایندگی از ایشان به خیابان ها ریخته اند و به این اقدام شرم آور وکلاء معترض هستند.

سؤال من از همین مردمی که چنین اشخاصی بدذات و بی مروت و ناانسان و تیره مغز را به صفت نماینده خود انتخاب می کنند، این است که:

- چرا در موقع انتخاب به اخلاق و گذشته نامزدان دقت و توجه نمی کنید و بهترین ها را از میان همه بر نمی گزینید؟
- چرا دیده و دانسته سرنوشت خود را بدست اشخاصی شریر و فاسد و خودخواه و سیه دل و بد سرشت و بعضاً جنایت پیشه می سپارید؟
- چه وقت می خواهید از رأی، از قدرت و از حق خود به وجهی احسن و بگونه ای که به حال خود و کشورتان سودمند باشد، استفاده کنید؟

- چه وقت می خواهید از این همه خوش دلی و خوش باوری و اعتماد به اشخاصی که هزار بار، مکرر در مکرر و نسل اندر نسل، آن ها را آزموده اید و هر بار به روی خود خورده اید، دست بکشید؟
- چرا از این نیرو و حقی که خدا و طبیعت و قانون برای تان داده است، به وجهی درست و ستوده آن به نفع خود و به نفع کشور تان استفاده نمی کنید؟
- چه وقت تفکیک خوب و بد، خجسته و گجسته، انسان و نانسان و از خود و بیگانه را می کنید؟
- و...

علاج همه بدبختی های ما بدست خود ماست. بیایید و به این گفته اعتماد کنید و پا پیش بگذارید و زندگی خود را خود به سامان کنید. حضور تان را با استفاده از فرصتی که میسر شده است، در صحنه سیاست بیشتر از پیش و به طور فعال و وسیع نمایان سازید و بر آنچه می گذرد، نظارت کنید.

به هر کس و به هر چه گفته می شود، اعتماد نکنید. بگردید و یک نماینده دموکراتی را که طی بیشتر از یک دهه گذشته عملاً امتحان خود را به عنوان یک انسان سیاسی که در درون کشور، با همه مخاطرات، در کنار شما قرار گرفته و از داعیه شما دفاع نموده است، پیدا کنید و خود را از شر این همه مافیا و دلال و وطن فرس دزد و جاسوس نجات بدهید!

چاپیدن وکیل و وزیر و رئیس و دار و دسته های گوناگون آن ها از برای آن است که شما به شکل محسوس و جدی و فعال در صحنه نیستید. و بالاخره این عقلانی نیست که شهردار و وکیل و رئیس جمهور بد را ما انتخاب کنیم، و عواقب کار بد ایشان را ما متقبل نشویم!!

فرااموش نکنید که یک بار - یا دو بار - اشتباه قابل بخشش است، اما اشتباه مکرر را هیچ موجودی نخواهد بخشید! اشتباه بیشتر از دو بار، اشتباه نیست؛ گناه است!!